



## ارتقای منظر شهری مشهد

### زمینه ساز هویت و شخصیت شهر

#### چکیده

شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند تا با ارتقای سلیقه هنری شهروندان موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از محیط شهری را پدید آورند. ما با نگرستن به محیط پیرامونی در شهر، برداشتی هر چند کلی از شهر در ذهنمان نقش می بندد و در حافظه مان ثبت می شود. زیبایی این تصویر ذهنی از شهر به این وابسته است که مسئولان مدیریت شهر تا چه اندازه تصور شهروندان و مسافران را نسبت به شهرشان مهم بیندارند و تا چه اندازه به ابعاد اجتماعی- فرهنگی و تاثیر منظر شهری بر هویت شهر واقف باشند. در سالهای اخیر تلاش های بسیاری در زمینه ارتقای منظر شهری در کشورمان اتفاق افتاده است، بطوریکه منظرسازی شهر به عنوان یک علم مجزا و منحصر بفرد پذیرفته شده است. چند سالی است که در کلانشهر مشهد نیز زمزمه هایی از منظرسازی در سطح شهر شنیده می شود و گرچه هنوز قانون مدون و برنامه مصوبی در ارتباط با چگونگی اجرای آن در سطح شهر وجود ندارد، اما حرکت نظری به سمت آن آغاز شده که خود زمینه ساز آینده ای روشن تر و هویتی خواناتر برای منظر شهری پایتخت معنوی ایران خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** منظر شهری، هویت بصری، مشارکت، مدیریت شهری

مدیریت توسعه و پژوهش

گروه مطالعات برنامه ریزی و توسعه پایدار شهری

کد گزارش: 89-Urab 11

تاریخ گزارش: 89/08/18

## ۲- مقدمه و طرح مسئله

منظر شهری از جمله عناصر بسیار بااهمیت هویت شهری و شاید رکن اصلی تاثیرگذار در سیمای شهرها هستند. ما بسیاری از خیابان ها و شهرهای خاص دنیا را با شکل و ظاهر عمومی جداره های آنها می شناسیم. اکثر این بدنه های هویت بخش به دلیل قدمت شخصیت ویژه ای یافته اند. لیکن بدنه های شهری می توانند با برنامه و بوسیله ساختمان های جدید نیز تعریف شوند. شهرهای برخوردار از محیط بصری مطلوب قادرند تا با وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت حس تعلق آنان شده و با اعتلا بخشیدن به شخصیت شهر در سطح ملی و بین الملل، توان رقابتی شهر را برای جذب هر چه بیشتر سرمایه و اقشار خلاق تقویت نمایند. اگر چه در طول تاریخ، طراحی نوآورانه شهرها معمولاً در پی رشد اقتصادی شهرها رخ داده است، اینک در عصر جهانی شدن و رقابت میان شهرها ظاهراً روند دیگری به چشم می خورد. اهمیت جنبه بصری شهر از آن روست که امکان "قرائت" محیط را به مثابه یک "متن" فراهم می آورد (ذکاوت، ۱۳۸۵: ۲۶). در دنیای کنونی متولیان زیباسازی منظر شهری بایستی بر اساس داشته های موجود و افق طرح های کلان شهر، برنامه هایی را در جهت بالابردن کیفیت منظر شهری با توجه به کلیت منظر شهر و بر اساس نیاز واحدهای همسایگی و شهروندان به منظر یکپارچه و زیبا، به اجرا بگذارند.

در بحث منظر شهری باید چند عامل اساسی دخیل در آن را در نظر داشت. اول آنکه منظر شهری در چه مقیاسی مورد بررسی است و در کدام سطح نیاز به اصلاح و زیباسازی دارد. دوم آنکه عوامل گوناگون جغرافیایی - اقلیمی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - تجاری چه تاثیری بر کالبد شهر و به تبع آن بر منظر شهری دارند. مکان های بسیاری که بر اثر نیازهای گوناگون جامعه شهری بوجود آمده اند هر یک می توانند نقشی متفاوت از دیگری داشته و فعالیتی مجزا را پذیرا باشند و از طریق محیط کالبدی که برای فعالیت شهروندان فراهم می آورند، نقش خود را در تاثیرگذاری بر ناخودآگاه شهروندان ایفا می کنند. گذشته از عواملی که بر منظر شهری موثر می باشند، کالبد شهر در ارتباط با محیط اطراف نیز قرار داشته و نیاز به هماهنگی در نمای ساختمان ها ضروری به نظر می رسد. هدف این مقاله تبیین اهمیت محیط بصری و منظر شهری در کلانشهر مشهد، گونه شناسی نقش های مختلفی که تاکنون منظر شهری بر عهده داشته، و بازشناسی روند تکاملی مفهوم آن می باشد.

شهر مشهد در مورد ارائه فضاهای عمومی جهت حضور، ارتباط و گذران اوقات فراغت به شهروندان خود به شدت فقیر است. در گذشته میدین شهری، بازار و مساجد، فضاهایی ارزشمند جهت اینگونه ارتباط ها بودند. اما اکنون با ورود اتومبیل به زندگی شهروندان به عنوان جزیی لاینفک بسیاری از فضاهای عمومی به معابر و خیابان هایی تبدیل شده اند که جولانگاه اتومبیل های شخصی هستند و این باعث از بین رفتن مقیاس انسانی در کالبد

کلانشهر مشهد مقدس شده که خود به یک معضل بزرگ تبدیل شده است. شهر مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران، بسیاری از فاکتورهای زیباشناختی در حوزه منظر زیبای شهری را دارا نیست و با توجه به اهمیتی که از لحاظ جذب مسافر و گردشگر دارد می توان ادعا نمود که امر زیبا سازی آن با رویکردی پایدار از جمله مهم ترین اولویت هاست. بدنه سازی خیابان ها، طرح هماهنگ سازی نمای ساختمان ها و ایجاد سازوکار مناسب اداری در جهت اجرای صحیح برنامه ها از جمله فعالیت هایی است که در کلانشهرهای موفق دنیا به اجرا گذاشته شده اند. استفاده از تجارب دیگر کشورها در راه زیباسازی کلانشهر مشهد مقدس راهی است مطمئن که گذشته از برآورده ساختن نیاز شهروندان به شهر زیبا، شاخصی برای سنجش سرعت حرکت به سمت پایداری نیز می باشد. توجه به طرح تفصیلی، طرح جامع، طرح مجموعه شهری و طرح توسعه و عمران ناحیه شهری مشهد بیانگر آنست که اهمیت این مهم هنوز به درستی شناخته نشده و حتی با وجود تغییراتی در شرح خدمات و سرفصل های مورد نیاز این برنامه ها، ارائه سیاست های کلان منظر شهری در این طرح ها جایی ندارد.

در بررسی منظر شهری مشهد، توجه به رویکردهای موجود در نحوه مدیریت منظر شهری مهم به نظر می رسد. چنین به نظر می رسد که رویکرد کنونی، نوعی ذهنیت گرایی است که سعی بر توجیه طرح ها با استدلال تمثیلی داشته و توجهی به فرآیند های علمی و هنری که برخاسته از دیدگاه های کلیت گرا، وحدت گرا، کثرت گرا و جزء نگر می باشد، ندارد. نتیجه این بی توجهی، ناهمگنی طرح های موضعی و موضوعی است که برای گوشه گوشه این شهر تهیه شده و منظر شهر مشهد را همچون چهل تکه ای از نقش ها کرده است. باید توجه داشت که ارتقا ارزش و کیفیت منظر شهری از طریق هماهنگی مصالح نما، هندسه و تناسبات، ارتفاع و خط آسمان برنامه ریزی شده و هماهنگی در فرم و عناصر الحاقی در نما حاصل می شود. بنابراین توجه ویژه به منظر شهری در مشهد مقدس از موضوعاتی است که اولویت ویژه داشته و توجه مسئولان را می طلبد.

## ۲- پیشینه، مفهوم و شاخص های سنجش منظر شهری

### ۲-۱- مفهوم و عوامل موثر بر منظر شهر

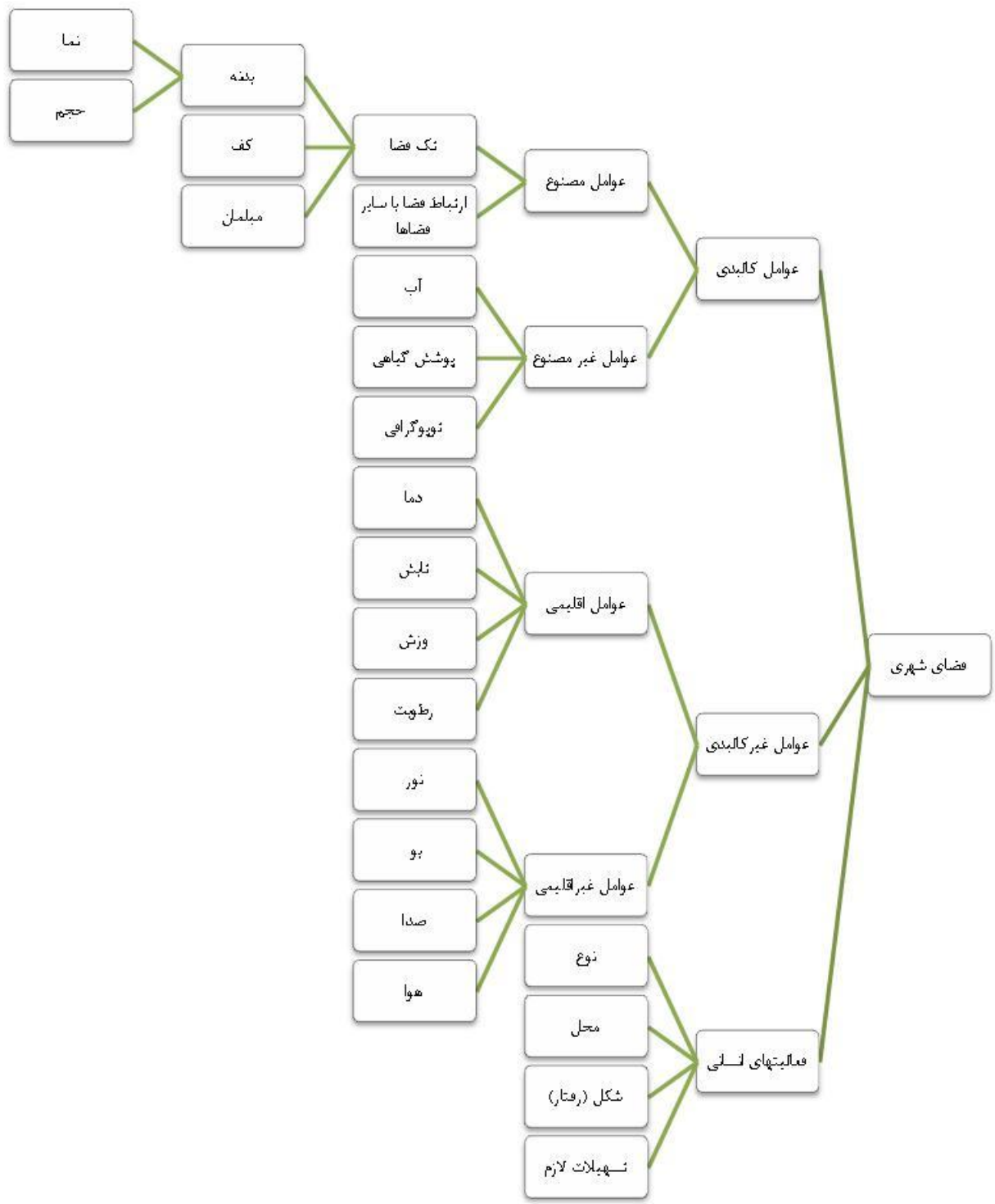
کیفیت فضا یکی از مهمترین دلمشغولی های دانش معماری منظر و طراحی شهری می باشد. در حدی که بسیاری از نظریه پردازان، "ارتقا کیفیت محیط و فضا" را مهمترین وظیفه فعالیت آن می دانند. متأسفانه در جامعه ما عوامل دخیل در ارتقا کیفیت را صرفاً عوامل منطقی یا حساب شده می دانند و البته ارتقا کیفیت مترادف با رعایت برخی از استانداردها تلقی می گردد. کیفیت همزاد کمیت است و بدون تعریف دیگری ممکن نیست. اما متأسفانه تابحال در کشور ما، بحثی تئوریک در این رابطه صورت پذیرفته است. اکثر مباحث موجود در حول و حوش کیفیت دور می زنند بدون آنکه به خود موضوع پرداخته و تعریفی روشن از آن ارائه دهند. بر این اساس می توان گفت فضای شهری پدیده ای است که خود را به صورت عینی قابل ادراک، به استفاده کنندگانش می نمایاند.

اطلاعات ارسالی از فضای شهری فقط اطلاعات کالبدی و بصری نیستند. بلکه اطلاعاتی هستند که توسط کلیه حواس درک می شوند. لذا منظر یک فضای شهری کلیه اطلاعات موجود از فضا می باشد که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می گردند، اطلاعاتی از فرم، عملکرد و معنای فضا؛ از این رو یک منظر در سطوحی متعدد، از سطحی تا بنیادی خود را مطرح می سازد و تمامی آنها منشا احساس هایی هستند که در فرد ایجاد می گردد. منظر به عنوان فرستنده، اطلاعات متفاوتی را به انسان مخابره می کند که می توان به دو دسته عناصر فیزیکی/کالبدی و انسانی تقسیم نمود. منظور از عناصر فیزیکی/کالبدی، عناصر طبیعی و مصنوعی هستند که ظرف فضا را ساخته، و از بدنه، کف، مبلمان شهری و پوشش گیاهی و ... تشکیل شده اند. در صورتی که منظور از عوامل انسانی، افراد و فعالیت های آنان در فضا است که با رفتارهای خود جزء لاینفک فضا می باشند. چگونگی عناصر و چگونگی رابطه بین عناصر (سازمان فضایی) یک فضا دارای کیفیت هایی هستند که می توان به طور خلاصه در گروه های ذیل دسته بندی نمود:

الف- کیفیت های فضایی: کیفیت هایی هستند که یک فضا به عنوان یک منظومه ارائه می دهد.

ب- کیفیت هایی ناشی از میزان سازگاری میان مولفه ها: نسبتی که بین روابط ادراکی و روابط عملکردی وجود دارد.

ج- کیفیت دید متوالی: برخی از این کیفیت ها ویژگی هایی از یک نقطه یا محدوده ای از فضا می باشند که نه فقط بر استفاده کننده تاثیر روانی خاصی گذاشته، بلکه وی را به انجام یا عدم انجام رفتاری ترغیب می نمایند.



نمودار شماره ۱: عوامل موثر در شکل دهی به سیما و هویت شهر (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

## ۲-۲- شاخص های منظر خوب شهری

منظر شهری به عنوان چشم انداز اصلی جریان زندگی جمعی در شهر باید همواره سرزندگی خود را حفظ نماید و برای داشتن تنوع در وقایع شهری و در طول شبانه روز، انعطاف از ویژگی های اساسی آن به شمار می رود. این منظر باید با ایجاد فضایی خاطره انگیز و ایمن برای شهروندان همواره انگیزه های جدی جهت حضور، نظارت و

نگهداری را برای آنها به وجود آورد. برخی از محققین بر این باورند که ۵ عامل نقش اساسی را در کیفیت سیمای بصری شهر بازی می کنند که عبارتند از:

- نقشه (نقشه نظام آرایش، اندازه، تراکم و پراکندگی فضایی پدیده های شهری)
- مظاهر معماری و ساختمانی شهر (شیوه های ساخت و ساز، مصالح، سبک معماری، مقیاس و ...)
- خصوصیات تحرکی شهر (تأثیر عامل زمان در مظاهر بصری شهر)
- فعالیت های شهری (انواع فعالیت هایی که در شهر رواج دارد)

#### ❖ صدا و بو

کوبین لینچ معتقد است که در حوزه منظر شهری پنج عنصر اصلی وجود دارد که ارتقای منظر شهر توجه به تک تک این عناصر را می طلبد، این پنج عنصر عبارتند از: راه، گره، لبه، نشانه و حوزه یا محله. بر این اساس اصلی ترین شاخص های سنجش منظر خوب شهری را می توان با توجه به این دسته بندی در خصیصه های منظر شهری پیدا کرد. این خصیصه ها که خود شاخصی برای سنجش نیز به شمار می روند عبارتند از:

#### ❖ سرزندگی:

جوهر زندگی شهری به قول جین جیکوب<sup>۱</sup> در یک تنوع سرزنده نهفته است که باید در هر زمان و برای همه در دسترس باشد و دامنه وسیعی از حق انتخاب ها را در اختیار آنها قرار دهد. تنوع عملکردی خیابانها هم از حیث انواع و هم زمان ارائه خدمات به شهروندان و هم از جهت گروههای مختلف مراجعه کننده قابل بررسی است. خیابان شهری باید پذیرای فعالیتهای جمعی و بستری برای وقوع فعالیتهای فردی باشد. به عقیده جین جیکوب ایجاد جذابیت های بصری در ابتدا و انتهای خیابان، وجود بالکن، عقب نشینی و سایر تمهیدات کالبدی از جمله جزئیات در بدنه ها و کف، نورپردازی در شب، ایجاد فضاهای مسقف به عنوان نقاط مکث کوتاه برای بروز انواع فراگاه های رفتاری، تنوع و اختلاط کاربری ها در سرزندگی خیابانهای شهری موثر است. بعقیده گوردون کالن<sup>۲</sup> نیز ایجاد تسلسل فضایی متنوع که بتدریج و به آرامی در امتداد مسیر خیابان شهری صورت می گیرد، در سرزندگی خیابان ها موثر است. یکی دیگر از راهبردهای سرزندگی در طول خیابانهای شهری ایجاد امنیت می باشد که به عقیده جیکوب این نظارت و مراقبت دائم توسط کسانی که مالکین طبیعی خیابان هستند صورت می گیرد. بکارگیری تسهیلات و کاربری های جذاب برای گروههای متفاوت در طول مسیر، پرهیز از ایجاد گوشه های تاریک، روشنایی متناسب با حرکت پیاده ها، پراکندگی مناسب نقاط فعال و روشن در طول خیابان شهری، استقرار واحدهای مسکونی در برخی نقاط بخصوص در طبقات فوقانی بدنه ها به دلیل اینکه حیات دائمی دارند از جمله سیاستهای ایجاد امنیت در خیابانهای شهری می باشد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

<sup>۱</sup> Jin Jacob

<sup>۲</sup> Gordon Collean

## ❖ انعطاف:

خیابان شهری به عنوان مکانی متراکم از رویدادها و فرصت های متنوع حیات جمعی، بیش از هر چیزی نیازمند زمینه ای منعطف است، به طوریکه در هر زمان با تغییر نوع رویداد با کمترین تغییرات کالبدی بتواند با آن رویداد هماهنگ گردد. پرهیز از اختلاف سطح، بکارگیری مصالح مرمت پذیر در کف، در بدنه مانند پرهیز از استقرار بناهای درشت دانه یا بدنه های یکدست در لبه مسیر، ایجاد فرورفتگی هایی در بدنه بلافصل همکف جهت مکث، تماشا و نشستن یا سرریز کالا و... یکی دیگر از راهبردهای ایجاد انعطاف در طول مسیر، انعطاف در عملکرد عناصر مستقر در فضا چه به لحاظ مکانی و چه به لحاظ زمانی می باشد. به طور مثال ایجاد تمهیداتی برای نصب آسان سایبان و سایر عناصر الحاقی و یا ایجاد قابلیت استفاده های متفاوت از خیابانهای شهری در زمانهای متفاوت سال.

## ❖ خاطره انگیزی:

خیابان شهری جزء عمومی ترین و موثرترین فضاهای شهری دارای یک فرم خطی است و در طی زمان درک می شود لذا باید خاطره انگیز باشد تا مشوقی برای تکرار حضور در خیابان و مشارکت در زندگی جمعی باشد. دو عامل عمده و اساسی باعث خاطره انگیزی خیابان شهری می شوند، ابتدا نقش انگیزی خیابان شهری به معنای وجود عملکردها، ویژگی های کالبدی متشخص و متمایزی که به راحتی در ذهن حک می شود و دوم برانگیخته شدن احساسات مثبت شهروندان و ایجاد محیطی مانوس از طریق ایجاد امکان دخل و تصرف در فضا و افزایش مشارکت آنان در نگهداری فضا بطوریکه آن را بخشی از محیط زندگی خود بدانند. یکی از عوامل مخرب در نقش انگیزی کالبدی خیابانهای شهری تعریض آن می باشد که هویت خیابان را دگرگون ساخته و چهره ای دروغین و غریب را ارائه می کند.

## ❖ ایمنی:

از آنجائیکه اساسا در خیابانهای شهری حضور سواره و پیاده را به طور همزمان داریم و هر دو مجاز به حرکت در مسیرهای خود به صورت دائمی هستند، ایمنی پیاده و سواره مهم است. تمهیدات کالبدی خیابانهای شهری باید ایمنی افراد حاضر را تضمین نماید. مثلا قرار دادن گذرگاههای عرضی برای پیاده با نورپردازی مناسب و روشنایی مناسب در شب، تغییر رنگ مصالح این گذرگاه ها به خصوص در محلهای پر تجمع و یا نزدیک ایستگاههای حمل و نقل عمومی، اجتناب از پارک حاشیه ای اتومبیل در خیابانها، تمهیدات کالبدی مناسب در تقاطع ها برای افزایش ایمنی پیاده در برابر سواره از جمله راه های افزایش ایمنی در فضاهای شهری می باشند (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

## ❖ مطلوبیت:

منظور از مطلوبیت حفظ عوامل طبیعی، چشم اندازها، فضاهای باز و فضاهای سبز در شبکه معابر راه ها و فضاهای مسکونی است. در مطلوبیت شبکه راه ها، جهات بایستی طوری مکان یابی شود که عابرین پیاده و سواره بیشترین لذت و دلپذیری را از مناظر شهری، حومه شهری و پیرامون شهری داشته باشند (زیاری، ۱۳۸۸: ۲۲).



❖ تاکید:

کیفیتی است که بر اثر شاخص شدن عنصری فضائی به خاطر ویژگی های ظاهری آن در یک منظر شهری بوجود می آید. این امر میتواند به وسیله تضاد صوری یک عنصر با زمینه آن، مانند فرم مسجد در یک جداره شهری باشند یا به خاطر تفاوت فاحش و یا تضاد رنگی اتفاق افتد. حتی عنصری نورپردازی شده در تاریکی نسبی یک خیابان نیز می تواند نوعی تاکید باشد.

❖ محصوریت:

منظور محدود شدن یک فضا بوسیله جداره هایش می باشد به صورتی که انسان احساس نماید داخل ظرفی قرار گرفته است محصوریت دارای درجات خاصی است که حداقل از دو عامل "نسبت ارتفاع جداره به کف" و "میزان پیوستگی جداره فضا" سرچشمه می گیرد. رنگ، بافت، شکل مصالح جداره و کف نیز بر محصوریت فضا تاثیر گذارند.

❖ غلبه فضایی:

باریک شدن ناگهانی یک مسیر می تواند باعث تغییر سرعت عابرین شده و یا باعث تقسیم فضا گردد. عناصر محصورکننده و یا جلو آمده بخشی از ساختمان ها، تابلوهای عمود به نما و حتی سایبان می توانند عامل باریک به نظر رسیدن فضا باشند. احساس غلبه فضایی همیشه تاثیری منفی نداشته و شدیداً تحت تاثیر توقع ذهنی فرد از مکانهای مشابه فضای مورد نظر است.

❖ گشودگی:

باز شدن یک مسیر باعث فراغ بال بیشتر و پراکنده شدن فعالیتها می گردد. در مسیرهای تعریض شده سرعت عابرین بالا رفته و غیر مستقیم انزوای فرد شدت می گیرد. هرچند تعریض فضا برای حرکت خودروها در کوتاه مدت ارزیابی می گردد، ولی در اکثر موارد بالا رفتن تعریض مسیر سرعت عابر مانع، حفظ بصر و تعامل اجتماعی وی می گردد.

❖ توالی:

کیفیتی از منظر یا عناصر آن می باشد که به فرد احساس تحرک و پویایی را القا می کند. تکرار درختان در یک ردیف و یا نور چراغ های یک خیابان نمونه هایی ایجادکننده توالی می باشند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

## ۲-۳- مدیریت منظر و سیمای شهر

ادراک بصری سیمای شهر مانند جنبه های ادراکی دیگر عناصر و ساختارهای شهر، نوعی تعامل دوسویه را بین کالبد شهر و فرد یا جامعه نشان می دهد. یعنی ادراک شهر نه تنها به خصوصیات و صفات شیء یا عنصر وابسته



است که به نوع تفکر و نگاه یا تجربیات شخص (جامعه) نیز بستگی دارد. از این رو به طور قطع ادراک اقشار مختلف از شهر در عین وجوه و جنبه های مشترک انگاره های متفاوت و متناقضی نیز دارد. مرور آنچه در چند دهه گذشته در شهر مشهد اتفاق افتاده است اگرچه نشان دهنده نوعی اجبار در ادامه راه مدرن شدن بوده است، لیکن ساختار فعلی شهر مشهد حاصل اقدامات دیگری نیز هست که در پاسخ به مهاجرت بی رویه و افزایش جمعیت، ترافیک، نیاز به مسکن و ... بوجود آمده است و قطعاً در تصمیم گیری های اجرایی مدیران شهری تاثیر داشته است. تاثیرات متقابل عناصر شهری بر هم در نقش و ادراک آنها بسیار موثر است.

اگر مدیریت، روش دستیابی به اهداف تعریف شود، آن گاه مدیریت بصری را می توان به فرایند برنامه ریزی، سازماندهی و نظارت بر فرم کالبدی به منظور کمک به ادراک و تجربه قوی تر ناظران در فضا و ایجاد تصویر ذهنی منسجم و پیوسته از شهر در ذهن شهروندان، در حین عدم کاستن از شگفت انگیزی و راز آمیزی فضا تعریف کرد. در این تعریف منظور از برنامه ریزی، شناسایی ساختار موجود بصری کالبدی، عرضه و تعیین اهداف صوری شهر چون خاطره انگیزی خط آسمان شهر است. سازماندهی شامل ایجاد و تقویت انتظام حاکم بر عناصر و کیفیت بصری شهری، و ایجاد رابطه متعادل میان عرصه های عمومی شهر و کیفیت های بصری است. گردآوری منابع و ابزار، عرصه آموزش به شهروندان و گروه های ذینفع، وضع دستورالعمل ها و قوانین و مشوق ها، به موثرترین شیوه برای رسیدن به اهداف مطروحه در زمره اقدامات سازماندهی بصری شهر به شمار می آیند منظور از نظارت در این تعریف تاکید بر انعطاف پذیری برنامه ریزی و سازماندهی و برگشت پذیر بودن و قابلیت انطباق فرایند هدف گذاری با تغییر اوضاع زمانی و همچنین نقد نتایج و پی گیری اقدامات مصوب است. در واقع می توان مدیریت بصری شهر را زیر مجموعه ای از نظام مدیریت کلان شهری دانست که حوزه عمل و مداخله آن مسائل کالبدی-بصری شهر و هدف آن ارتقای کیفیت و منظر شهری است.

چارچوب مدیریت بصری شهر به عنوان اسناد سطح راهبردی، وظیفه کنترل و جهت دهی به نظم بصری شهر را بر عهده دارد که طی آن حفظ و ارتقای هویت بصری و برقراری ارتباط بصری بین نمادها و حاذبه های بصری با عرصه های عمومی از مهم ترین اهداف آن است. در واقع مدیریت بصری را می توان مدیریت اطلاعات قابل انتقال از محیط به انسان دانست. ضرورت مدیریت این اطلاعات به سبب نقش آنها در ایجاد یک منظر ذهنی قوی از محیط در ذهن ناظر است. منظر ذهنی ای که کیفیت آن در سلامتی ساکنان اهمیت ویژه ای دارد و می تواند پشتیبان و موجب تقویت هویت گروهی شود. در واقع شاید بتوان هدف مدیریت بصری شهر را کمک به شناخت شهروندان از محیط زندگی شان دانست.

با نگاهی به اغتشاشات، آشفتگی ها و نابسامانی های بصری-کالبدی امروزی به نظر می رسد مدیریت بصری واقعی شهر، تنها زمانی محقق می شود که عوامل پایه ای تاثیر گذار بر این آشفتگی، مانند سیاست گذاری های نادرست از

سطح ملی تا سطح محلی، شناسایی و بازبینی مجدد شوند. در این بین برقراری روشهای نظارت مداوم و کنترل در طراحی بناها و عرصه‌های عمومی شهری اهمیت بسیاری دارند. در برداشتی محدود از مفاهیم مدیریت بصری، آن را ایجاد هماهنگی به نمای ساختمان تعبیر می‌کنند، اما به واسطه فراوانی گسترده اجزا دخیل در ادراک شهروندان از فرم و منظر شهری، نمی‌توان مدیریت بصری شهر را تنها به سازماندهی نمای ساختمان‌ها محدود کرد، بلکه باید آن را کلیتی فراگیر و تاثیر گذار دانست که در برگرفته همه ابعاد کالبدی، فضایی و فعالیتی، از مقیاس شهر تا مقیاس محلات شهری است. به نحوی که حتی عرضه دستورالعمل‌هایی که به طور مستقیم بر الگوهای رفتاری شهروندان مثلا الگوی تردد عابرین پیاده در فضاهای شهری موثر هستند در حوزه فعالیت مدیریت بصری شهری جای می‌گیرد.

### ۲-۳-۱- نقش مشارکت در ارتقای کیفیت منظر شهری

یکی از عناصر مهم در موفقیت مدیریت بصری شهر همانا مشارکت شهروندان در پدید آوردن فضاهای شهری است. می‌توان گفت که ترویج مشارکت به دو صورت انجام پذیر است: یکی از طریق فعالیتهایی که نهادهای محلی راساً در قبال شکل‌گیری، سازماندهی و حمایت نهادهای غیر دولتی انجام دهند و دیگر فعالیتهایی که در جهت افزایش میزان آگاهی شهروندان از امور شهری، افزایش حس اعتماد شهروندان نسبت به نهادهای محلی، انعطاف پذیر ساختن تشکیلات شهرداری و شورا جهت جذب مشارکت‌های شهروندانی (به صورت انفرادی و یا در غالب نهادهای غیر دولتی) و غیره می‌توانند انجام دهند. در زمینه مشارکت شهروندان نهادهای غیر دولتی در امر برنامه ریزی شهری، مشکلات عمده‌ای وجود دارد. عدم استقلال نهادهای محلی، ضعف فرهنگ شهروندی و جامعه مدنی، عدم تثبیت قانون‌گرایی، عدم وجود و ضعف حکومت‌های محلی دموکراتیک، وجود چارچوب‌های خشک و بوروکراتیک اداری شهرداری، عدم وجود قوانین مدون شهرسازی مشارکتی که بتواند جایگاه قانونی و تشکیلاتی مشارکت نهادهای غیر دولتی و شهروندان را در فرایند مدیریت و برنامه ریزی توسعه شهری مشخص سازد، ناکارآمدی سیستم مدیریتی - تشکیلاتی شهرداری‌ها، عدم اطلاع کافی شهروندان از عملکرد و مسئولیتهای شهرداری‌ها و شوراهای، عدم وجود نهادهای غیر دولتی متشکل و سازماندهی شده خط مشی برنامه‌های شهری می‌بایست در جهت ترویج برنامه ریزی مشارکتی باشد. مشارکت شهروندان با معماران منظر در طراحی مزایای فراوانی در بر دارد و می‌تواند به عنوان بهترین ابزار، آن‌ها را با دیدگاه‌ها و سلیقه‌های شهروندان که در واقع استفاده‌کنندگان، فضاهای طراحی منظر می‌باشند، آگاه سازد و بهترین اطلاعات را برای ارزیابی پیرامون مکان و اجتماع که به راحتی از طریق بررسی‌های محلی متعارف به دست می‌آید برای آن‌ها فراهم کند.

### ۳- تحلیل منظر شهری مشهد با توجه به معیارهای منظر شهری مطلوب

#### ۳-۱- بعد اجتماعی منظر شهری

توجه به ارزش‌های اجتماعی در طراحی منظر یکی دیگر از مباحثی است که برای یافتن پاسخی درست و به جا برای خلق فضاهای بیرونی به کار می‌رود. رویکرد عمل‌گرا به طراحی منظر با تاکید بر عقلانیت می‌تواند جایگاه طراحی حرفه‌ای را ارتقاء دهد. در این مورد "کریستوفر الکساندر"<sup>۳</sup> و "فرانک لویید رایت"<sup>۴</sup> اطلاعات ارزشمندی را در خصوص جنبه‌های اجتماعی طراحی ارائه نموده‌اند. در حقیقت باید اذعان نمود طراحی منظر همان‌قدر که با جنبه‌های فیزیکی فضای باز درگیر است با شهروندان نیز سروکار دارد. از چندین دهه پیش تاکنون تلاش‌های متعددی شده تا شهروندان را در فرآیندهای تصمیم‌گیری در خصوص مکان‌هایی که در آن‌ها زندگی، کار و استراحت می‌کنند سهیم نمایند. مشاهدات فضاهای خلق شده در کشورهای غربی نشان داده است که لزوماً توجه به کالبد و شکل‌ها بدون توجه به محتوی آن عملکرد مورد نظر، افراد ذینفع و نحوه تعاملات اجتماعی در آن‌ها و از همه مهم‌تر نیازهای انسانی در آن‌ها فضای مطلوبی را ایجاد نمی‌کند. در بسیاری از موارد مشاهده شده است که فضاهای طراحی شده که به لحاظ ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه دارای ابعاد مناسب بوده و ملاحظات هنرمندانه نیز در آن‌ها به کار گرفته شده، لزوماً مطلوب نیستند. انسان برای شناخت خود و برای بدست آوردن هویت خود شروع به تلاش می‌کند. سعی دارد که از طریق دریافت تشابهات و تمایزات خود با دنیای بیرون به شناختی نسبی از خود برسد. برای این کار یا سعی می‌کند با یافتن گوشه‌هایی از وجود خود در دنیای بیرون به نوعی به خود نزدیک شود و با خود ارتباط برقرار کند و یا با دیدن وجوه تمایز بین خود و دنیای بیرون، مکمل خود را بیابد و یا اینکه وجودهای کاملاً متفاوت با خود را پیدا کند تا زمینه مقایسه پیش‌آید و خود را بهتر درک کند، برآیندی از این سه عامل وجود انسان در دنیای بیرون، مثلاً در یک شیء فضا و یا هر عامل دیگر، او را مخاطب قرار می‌دهد وی با دیدن خود و صفات خود در یک شیء آن را پاره‌ای از وجود خود احساس می‌کند. حال هرچه فضا انسان را بیشتر مخاطب قرار دهد و با او در تعاملی سهل‌تر قرار گیرد و هر قدر با عادات الگوهای رفتاری وی هماهنگ‌تر بوده، خاطره‌ها، انتظارات و آرزوهای وی را بیشتر پاسخ دهد، این فضا تعلق خاطر بیشتری در او را بوجود خواهد آورد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

با توجه به تاثیر قوی منظر شهری بر روحیه و دیدگاه شهروندان و زائران نسبت به شهر مشهد، خلا وجودی برنامه‌های مناسب در ارتباط با روحیه جمعی، برای ساماندهی و مدیریت این مهم ملموس است. وجود فرهنگ غنی، تاریخ پر بار و از همه مهم‌تر وجود بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا در شهر مشهد، حس تعلق شهروندان را نسبت به این کلانشهر مذهبی تا حد قابل توجهی بالا برده است. تجربه کلانشهرهای موفق در زمینه مدیریت و

<sup>۳</sup> Christopher Alexander

<sup>۴</sup> Frank Lloyd Wright

ساماندهی منظر شهر این نکته را به ما یادآوری می نماید که در نظر داشتن کلیه ابعاد و جوانب کالبدی شهر در کنار آموزش اصول شهروندی از جمله عوامل موفقیت آنها در امر ارتقای کیفیت زندگی در کلانشهر بوده است. شهر مشهد دارای پتانسیل بسیار مناسب کالبدی جهت ایجاد فضاهای خاطره انگیز و جذاب می باشد. ارتقای فضای میدین و خیابان هایی که به عنوان نماد در خاطره جمعی و ذهن شهروندان ثبت شده اند، افزایش مساحت فضای سبز در سطح شهر، استفاده از رنگ در شهری که خاکستری خوانده می شود و نصب مبلمان شهری مناسب و زیبا در سطح شهر می تواند راهگشایی برای بهبود کیفیت فضاهای شهری در مشهد مقدس باشد.

### ۳-۱-۱- هویت و سیمای شهری

از آنجایی که «هویت» مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخیص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تاثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد. هویت یک معیار رشد برای شهر است؛ به عبارتی دیگر وقتی یک شهر یا جامعه رشد می‌کند، بخشی از صفات هویتش در جریان رشد تغییر می‌کند و ساماندهی جدیدی می‌یابد. در این ساختار باید هویت شهری به عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط مطرح شود تا بتواند زمینه‌های مشارکت و امینت افراد را فراهم کند. هویت شهری را باید نوعی هویت جمعی به حساب آورد که البته با عنوان هویت محله‌ای و شهری زمانی معنی دار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک و محتوای شهر داشته باشد؛ به شرطی که هنجار هویت درست فهمیده شود.

هنگامی که از هویت بخشی به سیما و کالبد کلانشهر مشهد صحبت می‌کنیم و یا در پی شناخت ابعاد ساختاری هویت شهری هستیم ابتدا باید عناصر سازنده و شکل دهنده آن را بشناسیم. اولین گام برای ورود به عرصه تجربه‌ای موفق در شهر سازی با هویت، کنکاشی در مفهوم هویت شهری و گام دوم، تبیین ابعاد مکانی-زمانی هویت یک شهر است. منظور از بعد مکانی، ویژگیهای محیطی - اکولوژیک ( شامل اقلیم، آب و هوا، وضعیت توپوگرافیکی و منابع آب و خاک و غیره) و منظور از بعد زمان ویژگی های تاریخی از ابتدا تا زمان حال در مقیاس اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی است. گامهای بعدی شاید شناخت نیازهای کنونی هویتی شهر و تلفیق ارزشهای هویتی گذشته با نیازهای هویتی کنونی است، تا آنچه را که می‌توانیم از گذشته اقتباس کنیم و آنچه را که در گذشته نمی‌یابیم در آینده خود آن را تولید نماییم. اگر بپذیریم که بناهای قدیمی و فضاهای ناشی از حضور آنها به نوعی پیوند

با گذشته و نه تنها پیوند با کالبد این بناها بلکه پیوند با تمامی عواطف، روابط و فرهنگ اجتماعی قدیم است و همچنین پذیریم در شرایط کنونی که ما به سرعت در حال تغییر در ساختار کالبدی هستیم، حضور آنها را برای جلوگیری از گسیختگی فرهنگی درک خواهیم کرد و به این ساختمان‌ها فقط بصورت ساختمان‌های فرسوده، ناکارآمد و توده‌ای از خشت و گل نظر نخواهیم داشت.

بافت کالبدی و ساختار مکانی-فضایی در مشهد مهمترین بعد هویتی شهر را تشکیل می‌دهد. شکل‌گیری بافت کالبدی شهری متأثر از اندیشه‌ها، عقاید، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه می‌باشد. از اینرو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. واقعیت آن است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد. کلانشهر مشهد دارای بناهای یادمانی بسیاری است که در جریان نوسازی‌های چند سال اخیر بسیاری از آنها تخریب شده و از بین رفته‌اند. از جمله ساختمان‌هایی که هنوز پابرجا هستند و سازمان میراث فرهنگی نیز آنها را بازسازی کرده است می‌توان به دو بنای قدیمی "خانه ملک" و "فرهنگسرای بهشت" در حاشیه خیابان امام خمینی اشاره داشت که اکنون نیز فعال می‌باشند. در جریان اجرای برنامه‌های شهری، توجه بیشتر به بناهای قدیمی و ارزشمند شهر موجب ارتقای هویت و شخصیت شهر خواهد بود.

### ۲-۳- تیپولوژی منظر شهری

در بررسی انواع منظر شهری باید به مسئله چشم اندازه‌های ثابت و چشم اندازه‌های در حال حرکت نیز توجه داشت. هر دو نوع این چشم اندازه‌ها قابلیت مشاهده از یک نقطه ثابت در منظر شهری را دارد و حتی چشم اندازه‌های متغیر در حال حرکت در یک مسیر نیز در مطلوبیت منظر شهری دخیل می‌باشد. این نقاط دید در منظر شهری بر اساس محل دید و فاصله‌ای که نسبت به کانون دید خواهد داشت در سه مقیاس طبقه‌بندی می‌شوند. ارزش شناخت مناظر شهری در این سه مقیاس از آنرو است که از این طریق می‌توان با شناسایی فواصل دید و منظره مورد نیاز اقدام موثری در جهت ایجاد منظر زیبای شهری با توجه به مخاطبان آن فضا انجام داد. این اقدام بر پایه شناخت کالبدی، اجتماعی و اقتصادی حالتی سرزنده را در فضاهای شهری پدید می‌آورد. بر پایه این دسته‌بندی می‌توان انواع منظر شهری را در سه مقیاس کلان، میانی و خرد مورد بررسی قرار داد که از این طریق تحلیل منظر شهری بر پایه اصول علم زیبایی‌شناسی میسر خواهد شد. بر این اساس مقیاس‌های منظر شهری عبارتند از:

الف) مقیاس کلان: در این مقیاس کل شهر یا پهنه وسیعی از شهر قابل رویت است. فرد مشاهده‌کننده (ناظر) در این حالت در موضع خاص قرار گرفته که سطح چشم‌ناظر (در درون یا برون شهر) بالاتر از سطح شهر یا پهنه‌های آن قرار دارد. هنگامی که کل شهر قابل مشاهده است، ناظر می‌باید خارج از محدوده شهر و در ارتفاع بالا (دید از

آسمان یا عارضه ای بسیار بلند نسبت به سطح شهر)، قرار داشته باشد در مورد شهرهای بزرگ و کلان شهرها امکان دارد بجای کل شهر، قسمتهایی از شهر در وسعت منظر قرار گیرد. در این حالت بستر طبیعی بصورت حجم، پهنه شهری (شکل شهر) بصورت سطح دیده خواهد شد که این سطح خود متشکل از سطوح دیگر شامل مناطق مختلف شهری یا پهنه های خاص، وسیع و متمایز شهری می باشد شکل شهر در منظر کلان در صورت عدم وجود عوارض طبیعی بارز ویژگی سه بعدی در بستر طبیعی شهر ظاهر خواهد شد.

ب) مقیاس میانی: در مقیاس میانی دید به قسمتی وجود دارد که شامل یک راستای شهر یا چندین بلوک شهری می شود، در این حالت فرد مشاهده کننده در حدود سطح زمین (بستر زمین) و در مقیاس انسانی قرار گرفته و وسعت دید او با بلندهای ساختمان و یا عوارض طبیعی و مصنوع محدود شده است.

ج) مقیاس خرد: در مقیاس خرد موقعیت ناظر تغییر نکرده اما زاویه دید محدودتر شده است. منظر بر وسعت کوچکتر که شامل چندین ساختمان با عوارض طبیعی و مصنوع است متمرکز شده است. در این مقیاس زاویه دید فرد که در میان توده های ساختمانی قرار گرفته، با بصورت محوری و با تاکید بر راستای امتداد قرار گیری توده هاست و یا بصورت غیر محوری و با تاکید بر وجوه توده هاست که هرچه از دید محوری خارج شده و به دید وجهی نزدیک می شود، خصوصیات دو بعدی منظر نیز بیشتر نمایان می شود. ویژگی های عناصر تشکیل دهنده منظر در این مقیاس سه بعدی است که از احجام ساختمانی، عوارض طبیعی و مصنوع مانند پوشش گیاهی بوجود آمده است (محمودی، ۱۳۸۵: ۶۵).

مقیاس منظر	وسعت منظر	موضع ناظر	ارتفاع دید	خصوصیات غالب منظر	اجزای منظر
Huge	کل شهر	خارج از شهر (آسمان)	پرنده	دو بعدی	زمین و متن
	بخش عمده ای از شهر	خارج یا داخل شهر	انسانی	خط بعدی	پس زمینه، زمینه، پیش زمینه
	بخش عمده ای از شهر	خارج یا داخل شهر	انسانی	دو بعدی	لایه لایه ای
Middle	محدوده خاص	داخل شهر	انسانی	سه بعدی	پس زمینه، زمینه، پیش زمینه
	چند بلوک یا بنا	داخل شهر	انسانی	سه بعدی	پس زمینه، زمینه، پیش زمینه
Tiny	جزئیات ساختمانی	داخل شهر	انسانی	سه بعدی	مجسمه و

جدول شماره ۱: سطوح مختلف منظر شهری (محمودی، ۱۳۸۵: ۶۹)

نبود توجه کافی به مقیاس میانی و خرد منظر شهری کلانشهر مشهد نشان دهنده فراموش شدن اهمیت کیفیت فضاهای شهری و تاثیر آن بر روحیه شهروندان است. بررسی فضاهای کلانشهر مشهد این موضوع را به ما یادآوری می کند که فضاهای شهری فاقد پویایی لازم هستند و مهمترین علت نبود سرزندگی را می توان در نبود شرایط



کالبدی مناسب در اینگونه فضاها جستجو کرد. گذشته از این با نگاهی گذرا به منظر شهری کلانشهر مشهد متوجه بود برنامه ریزی و مدیریت مناسب در ساماندهی این مهم می شویم. از جمله بارزترین مصادیق آشفتگی منظر شهری، نمای ساختمان ها می باشد که چنان ناهماهنگی و آشفتگی را در سطح شهر مشهد به راه انداخته که مسئولان شهری مجبور به تهیه برنامه ساماندهی نمای شهری در قالب طرحی موضوعی شدند. از تهیه این طرح بیش از شش سال می گذرد و شهروندان هنوز کوچکترین نتیجه ای از اجرای آن را ندیده اند. به عقیده کارشناسان اجرایی نبودن برنامه های تهیه شده و عدم تطابق آنها با شرایط واقعی و به عبارت ساده تر ایده آل گرایی و کل نگری در طرح ها - حتی طرح های موضعی و موضوعی - دلیل اصلی اجرایی نشدن بسیاری از برنامه ها در کشور ماست.

در زیبا سازی منظر شهری در مشهد مقدس باید به سه اصل مهم و کلیدی توجه داشت: نظم، هماهنگی و تعادل. آشفتگی و نبود نظم در منظر شهری دومین کلانشهر مذهبی جهان عامل مهمی است که شهروندان و زائران را نسبت به شهر و فضاهای شهری بدبین کرده و بصورت ناخودآگاه تصویری نامناسب را از شهر مشهد در ذهن ایشان شکل می دهد. استفاده از خطوط هماهنگ بر روی نمای ساختمان ها، هماهنگ سازی رنگ نمای ساختمان ها و تلاش برای کنترل نمای ساختمان های در دست ساخت از جمله فعالیت های مناسبی است که می تواند منظر شهری مشهد مقدس را در مقیاس میانی به سامان برساند. برقراری تعادل در نمای ساختمان ها و توجه به مصالح مورد استفاده نیز از جمله عواملی هستند که منظر شهری را در مقیاس خرد به حالت مطلوب نزدیک نموده، هویت و شخصیت را به محلات شهر باز خواهد گرداند.

### ۳-۳- اجزاء و عناصر منظر شهری

منظر یک شهر از اجزا و عناصر بسیاری تشکیل شده است که هر کدام نقش خود را هرچند ساده و کوچک ایفا می کنند. اینکه این اجزا و عناصر چه باشند و در کجا قرار بگیرند تا بهترین کارایی و مناسبترین حالت را پدید آورند موضوعی است که در ابتدا نیازمند شناخت اجزا و عناصر است. از جمله این عناصر مبلمان شهری هستند که با دارا بودن نقشی مکمل در کنار فضای سبز از جمله عناصر سازنده منظر شهری محسوب می شوند. پارک های شهری و محله ای، فضاهای سبز خیابان ها و پیاده رو ها و حتی میادین نقش ارزنده ای در افزایش کیفیت بصری شهر دارند. نقش بصری فضای سبز برای کلانشهر مشهد با شرایط خاص جمعیتی و توریستی بسیار تعیین کننده و اساسی است و می تواند بسیاری از معضلات بصری را کاهش داده و التیام بخش باشد. استفاده درست از این عناصر شهری علاوه بر تامین نیاز و ارائه خدمات خاص به شهروندان می تواند نقش هایی چون نشانه گذاری، راهنمایی و هدایت بیانی و نمایشی را داشته، در نهایت منجر به افزایش خوانایی و ایجاد شخصیت و هویت منحصر به فرد به شهر گردند.



یکی از عناصر بسیار موثر در بدنه سازی خیابان ها با توجه به بافت تجاری حاشیه آن، موضوع نصب تابلوها و تبلیغات بر جداره ساختمان ها و مغازه های تجاری است. در بسیاری از خیابان های مشهد ساختمان های حاشیه خیابان تابلوهایی را بر جداره خود دارند که بدون هیچ نظم قاعده ای نصب شده اند و نشان از نبود قاعده و ضابطه در این زمینه است. در صورت برنامه ریزی و ایجاد نظم در این زمینه نه تنها از اغتشاش بصری موجود جلوگیری گردد بلکه به کیفیت بصری جداره ها نیز افزوده می شود.

شیوه و سبک معماری بناها از مولفه های اصلی سیمای شهری و ساخت بدنه های شهری است. این شناسه در بسیاری از شهرها نقش هویت ساز دارد و می تواند با تاریخ معماری شهرها و ملل مرتبط باشد. در مشهد نیز مانند بسیاری از شهرهای ایران نوعی تنوع و تکثرگرایی (پلورالیسم) و نوعی گرایش های ضد عمومیت گرا در ساختمان سازی وجود دارد و در کنار این جریان ساختمان هایی نیز هستند که هیچ نوع حساسیتی از خود نشان نمی دهند و نوعی نگاه عمومیت گرا در معماری شهرها را نشان می دهد. ما در معماری شهرمان سبکهای مختلف غربی و شرقی را از سبک بین المللی گرفته تا معماری رومن و کلاسیک و دکانستراکشن و ... و تزیینات نماهای بناهایمان، التقاطی شدید از شیوه های مختلف معماری است. در بافت میانی شهر مشهد ساختمان های باقیمانده از پهلوی اول و دوم در کنار ساختمان های جدید، نوعی ناهماهنگی را به نمایش گذاشته اند. این ناهماهنگی هم به جهت شیوه معماری و هم به جهت ارتفاع ساختمان ها به وجود آمده است. البته این بافت به سرعت در حال تغییر است و این ساختمان های قدیمی به زودی با ساختمان های جدید از نوع آپارتمانی و چند طبقه جایگزین خواهند شد.

### ۳-۳-۱- خیابان و کریدورهای بصری

خیابان های شهری به عنوان مهمترین مکان زندگی جمعی شهروندان پیش از هر چیز نیاز به سرزندگی دارند و این خیابان ها در هر ساعتی از شبانه روز به حضور سرزنده و فعال گروههای مختلف شهروندان نیاز دارند. جوهر زندگی شهری به قول جیکوبز در یک تنوع سرزنده نهفته است. ایجاد تنوع در کاربری های مجاور به نحوی که در ساعات متفاوتی ارائه خدمات نماید و آغاز و پایان کار همه آنها همزمان نباشد، موجب می شود که در زمانهای متفاوت در طول شبانه روز نقاط فعال و روشنی را در خیابان داشته باشیم. همچنین تنوع در نوع کاربری های همجوار باعث جذب گروههای مختلف سنی، اجتماعی و فرهنگی در خیابان شده و در نتیجه اختلاط اقشار مختلف شهروندان در این فضا عامل بسیار مهمی در جهت هرچه سرزنده تر نمودن خیابان است.

خیابانهای شهری مکانهایی هستند که تعاملات اجتماعی و جنب و جوش شهری در آنها به حداکثر کمی و کیفی خود رسیده و سرشار از رویدادهای متعدد و متنوع اند. خیابان های شهری گویای نوع زندگی، طرز تفکر، سطح اقتصادی، نوع روابط اجتماعی و سایر اشتراکات ذهنی و عینی شهروندان در مقیاس شهر است و محصول رشد

تدریجی و روند طبیعی تغییرات و تبلور زندگی مدنی یک شهر در طول زمان است. با وجود اینکه خیابانها ساختار حیاتی و اصلی شهرها را تشکیل می دهند، تداخل حرکتی سواره و پیاده و اغتشاش و بی نظمی، ترافیک و سروصدا و آلودگی از مشکلات روزافزون آنها شده است که با ایجاد شبکه های جایگزین برای خیابانهای شهری می توان از انواع حرکتی عبوری از مرکز شهر به آن کم کرد و به نقش آن به عنوان مرکز تعاملات اجتماعی که در رابطه بین پیاده ها جستجو می شود افزود ( پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۲). خیابان ذهن شهروندان را انباشته از خاطرات جمعی و ذهنیت های مشترک راجع به نوع و چگونگی حیات مدنی می گرداند. رجوع به مراکز مهم فعالیت، خرید، تماشای مغازه ها و خرده فروشی ها، پرسه زدن و گردش، دیدن یکدیگر و دیده شدن توسط آنها، همه و همه خیابانهای شهری را تبدیل به فضایی مترکم از انواع رویدادهای جمعی و فردی برای شهروندان نموده است و از این رو خیابانهای شهری در تصویر ذهنی شهروندان بیش از هر چیزی یک مکان مترکم از رویدادها و فرصت های متنوع زندگی شهری است. شبکه در هم تنیده خیابانهای شهری که نتیجه سال ها تلاش شهروندان برای تداوم حیات شهری است مملو از خاطرات، دلمشغولی ها، نیازها و سلیق شهروندان بوده و گویای نوع زندگی، طرز تفکر، سطح اقتصادی، نوع روابط اجتماعی و سایر اشتراکات ذهنی و عینی شهروندان در مقیاس شهر می باشد. هر خیابان شهری به عنوان ساختار اصلی جریان زندگی جمعی می بایستی همواره سرزندگی خود را حفظ نماید و در این راستا دائما تلاش نماید تا پذیرای این همه تنوع در وقایع شهری و در ساعات و روزهای مختلف باشد.

یکی از مهم ترین تاثیرات کالبدی در کلانشهر مشهد از سال ۱۳۰۰ شمسی آغاز شده شامل احداث خیابان های متعدد در جهت پاسخگویی به حرکت سواره بوده است. خیابان هایی که در حال حاضر مملو از اتومبیل ها هستند تا قبل از افزایش تراکم ساختمان ها و افزایش بی حد و حصر تعداد اتومبیل، به دلیل محصوریت کم، عرض نسبتا زیاد و به خصوص وجود فضای سبز و درختان کهنسال در جداره ها بسیار دلپذیر و فرح بخش بودند. در چند سال اخیر سیاست خاصی در جهت حل معضل ترافیک در شهر مشهد به وقوع پیوسته که از جمله آنها افزایش شبکه دسترسی در حاشیه و حدود شهر، تعریض خیابان ها و احداث پل های متعدد جهت سهولت و سرعت حرکت سواره است. خیابان ها و معابر شهر که محل حضور فعالانه شهروندان است، تبدیل به جولانگاه اتومبیل ها شده و ساکنان با اغتشاش ترافیکی موجود در خیابان ها فرصت و مجال ارتباط با یکدیگر و با فضای شهرشان را از دست داده اند. احداث خیابان های جدید و تعریض معابر منجر به از بین رفتن ساختمان های قدیمی و با ارزش جداره ها شده است. باید پذیرفت نقش ادراکی و سیمای شهر مشهد بدون بررسی تاثیرات روحانی حضور حرم مطهر و نقش روانی و عاطفی ساختار کالبدی آن میسر نیست. منظره حرم مطهر و گلدسته ها و گنبد طلایی آن در امتداد خیابان های طبرسی، امام رضا (ع)، نواب صفوی و شیرازی قابل رویت است و تاثیر عمیقی را بر ساکنین شهر مشهد و همین طور زائرین، در گذر از این کریدورهای بصری دارد. این چهره در شب با نورپردازی منحصر بفرد حرم مطهر

زیباتر شده و تصویری ماندگار در ذهن بیننده حک می‌کند. گرچه در سال‌های اخیر به دلیل وسعت یافتن توسعه حرم مطهر و افزایش صحن‌ها و در عین حال تداوم ساخت و سازها، خوانایی حرکت و دسترسی در حرم مطهر کم شده و وسعت آن رابطه ادراکی زائران را با فضاهای آن کاهش داده است ولی تاثیر عمیق و روحانی کالبد آن همچنان رونق بخش ساختار ادراک بصری مخاطبین شهر مشهد است.

### ۳-۳-۲- میادین و گره‌های ترافیکی

میدان‌ها در شهرها محل تجمع و تعامل ساکنین شهر هستند. لیکن در شهرهای کنونی میادین شهری فقط به عنوان گره‌ترافیکی مطرح می‌شوند. اگر مجبور به پذیرش این شرایط باشیم، میادین در نقش جدید خود نیز می‌توانند به عنوان گره‌ها و نشانه‌های شهری عمل کنند. میدان پارک (آزادی) و المان نمادین آن در خاطر شهروندان نقش داشت و تمامی زائرین و مسافری نیز با آن ارتباطی یادمانی برقرار می‌کردند. این میدان و عنصر یادمانی آن در اجرای پروژه قطار شهری از بین رفته است و هم اکنون معدود میادینی چون فردوسی، جانباز و... را در شهر مشهد سراغ داریم که علاوه بر نقش ترافیکی به عنوان نشانه شهری یا عنصر یادمانی مطرح باشد و بتواند به ارتباط ادراک سیمای شهری کمک کند. میادینی چون تقی‌آباد، تلویزیون، سعدی، امام علی، ۱۷ شهریور، طبرسی و... فضاهای شهری هستند که حضور مثبت خود را در تعریف سیمای شهری و ارتباط با ساکنین شهر بیان می‌کنند. به همین منوال چهارراه‌ها و دیگر تقاطع‌ها نیز می‌توانند نقشی نمادین داشته باشند که معمولاً این نقش را از طریق بدنه سازی بهینه اطراف چهارراه بدست می‌آورد. در مشهد نیز چهارراه‌هایی مانند دروازه طلایی و شهدا از جمله چهارراه‌هایی بودند که چنین نقشی را تا حدودی بر عهده داشتند. هم اکنون ضابطه خاصی درباره تعیین نقش چهارراه‌ها و میادین وجود ندارد و نیاز به تدوین یک برنامه مناسب برای تعیین نقش میادین و چهارراه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

### ۴- بررسی راهکارهای بهبود منظر شهری در شهر مشهد

#### ۴-۱- فراهم نمودن زیرساخت‌های کالبدی مناسب

شهرهای قدیمی ما مملو از فضاهای نوستالژیک، جذاب و پرخاطره بودند که با گذشت زمان و بالارفتن دیوارهای سیمانی اکنون دیگر اثری از آنها باقی نمانده است. وجود فضاهای مناسب شهری که با منظرسازی مناسب حس زیبای شهر را در یک نگاه به مخاطب عرضه کند عاملی ارزشمند در جهت ارتقای کیفیت زندگی در شهرهای امروزی است و به جرات می‌توان گفت که خلا ناشی از نبود اینگونه فضاهای شهری کاملاً محسوس است. در این راستا یکی از اهداف عمده نهادهای دست‌اندرکار در امر مدیریت شهر، زیباسازی شهر و رسیدگی به فضاهای شهری در راستای ارائه بهترین شرایط ممکن برای شهروندان بوده است. اولین گام‌های این رویکرد در طرح جامع

مشهد با عنوان بررسی سیمای کالبدی شهر مشهد برداشته شد که متأسفانه در آن اشاره ای به منظر و منظرسازی نشده و همین توجه صد چندان به هویت بصری شهر مشهد را می طلبد.

در کلانشهر مشهد خیابان های بالاخیابان، پایین خیابان و خسروی دارای طرح منظرسازی بوده اند و ساختمان های دو طبقه با ریتمی هماهنگ بدنه آنرا تعریف می نمودند. در خیابان امام رضا (ع) یا تهران نیز پس از احداث در جهت اجرای سیاست بدنه سازی در زمان پهلوی دوم جداره کاذبی در حاشیه خیابان بنا شد تا نوعی هماهنگی در طول محور خیابان ایجاد گردد و هم اکنون کمتر اثری از آن باقی است. خیابان احمد آباد تنها خیابانی است که دارای ضابطه در بکارگیری مصالح و ارتفاع بود. این ضابطه می توانست به طور نسبی تجربه مناسبی برای بدنه سازی در محورهای جدید باشد. لیکن عدم رعایت ضابطه در نبود کنترل های کافی منجر به بهم ریختگی این نظم بویژه در خیابان های منتهی به حرم مطهر گردیده است. از جمله عوامل موثر بر این آشفتگی می توان به بارگذاری سنگین ساختمانی، جهت گیری برنامه ها در راستای استفاده حداکثری از ارزش افزوده زمین و وجود چندین متولی نظارت در حوزه مدیریت شهری اشاره نمود.

به طور کلی بدنه خیابان ها در شهر مشهد شامل مجموعه ای از ساختمان های غیر هماهنگ و ناموزون است و گرایشی عمومی به سمت متفاوت کردن ساختمان ها از بناهای همجوار وجود دارد. تنوع قومیتی و سلیق شهروندان مشهد و نیز فقدان ضابطه قطعا در ایجاد شرایط موجود در بدنه ها موثر بوده است. وضع بوجود آمده سازمان ها و نهادهای دست اندرکار را برآن داشته تا در چند سال اخیر به تحقیق و تدوین ضوابطی درباره نمای ساختمانی بپردازند و توجه به معماری خیابانی را مجددا- تا حدی- در دستور کار قرار دهند. پروژه و طرح بدنه سازی خیابان های منتهی به حرم مطهر و محور آزادی - آخوند خراسانی و طرح فضای خیابان در محور فاز یک قطار شهری از جمله این برنامه ها هستند. شهر مشهد دارای برنامه مشخصی در جهت هویت بخشی به سیمای شهر به خصوص در بافتهای جدید شهری و در عین حال در بازسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهر نیست و به غیر از ابنیه حرم مطهر بقیه قسمت های شهر هویت بصری باارزشی را نمایان نمی سازند.

## ۴-۲- افزایش آگاهی و مشارکت در منظرسازی شهر

الگوی شهرنشینی در ایران از بیماریهای بسیاری مانند طراحی بی روح و ناموزون (تئوری شهر خاکستری)، فاصله زیاد بین مناطق در برخورداری از خدمات شهری، رشد خارج از اراده مدیریت شهرها، عدم وجود ساز و کار مناسب جهت افزایش آگاهی شهروندان نسبت به مسئله مشارکت، نبود زیرساخت های لازم برای مشارکت شهروندان و ... در رنج است. به نظر می رسد طبقات پایین دارنده بیشترین مشکلات شهری هستند، آنان به علت عدم مشارکت اجتماعی (یا به حاشیه رانده شدن) مجال آن را نمی یابند تا از راه های قانونی به تعریف و برجسته

سازی مسائل خود پردازند. مشارکت حاصل در متن بودن است و مشارکت گروه ها و اقشار گوناگون در حیات شهری باعث تعریف و برجسته شدن مسائل شهری مربوط به آنان می شود و راه را برای حل آن باز می کند. مشارکت در حوزه های گوناگون در ایران پایین است و اگر با دیدی عمیق و ژرف به مسائل و معضلات کالبدی- اجتماعی شهرها پردازیم نداشتن روحیه تعلق شهروندی، و داشتن روحیه تخریب اموال عمومی که از آن تحت عنوان وندالیسم یاد می شود به صورت جزء جدایی ناپذیری از زندگی در شهر است (نقدی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

مشورت با مردم درباره تغییراتی که قرار است بر کیفیت محیط آنها و شیوه زندگی شان اثر گذارد، در بدو امر و پیش از آن که طرح ها آماده و نهایی شوند ضرورت دارد. آموزش حقوق و وظایف شهروندی از جمله راهکارهایی است که در سالهای اخیر در جهت افزایش مشارکت شهروندان در امور شهر مشهود به کار گرفته شده است. استفاده از نظرات و عقاید شهروندان و اجرای برنامه های مشارکتی در شهر موجب افزایش حس تعلق شهروندان و احساس مسئولیت نسبت به شهر خواهد بود که اجرای این مهم در برنامه های منظرسازی شهر نیز از جمله پارامترهای موثر در میزان موفقیت طرح هاست. اجرای پروژه هایی همچون نقاشی دیوارهای شهر، نصب مجسمه و المان در مناسبت های فرهنگی- مذهبی، بهسازی فضای سبز شهری در خیابان های شهر و توجه به عرصه های عمومی - مانند عرصه عمومی که در طرح میدان شهدا پیش بینی شده است- از جمله فعالیت های زیباسازی منظر شهری طی چند سال اخیر هستند که تا حد زیادی بر میزان رضایت شهروندان از مدیریت شهری تاثیر گذاشته است. این مسئله در زمان های خاص مانند اعیاد و مناسبت های ملی و مذهبی در میادین اصلی شهر موجب توجه بیشتر شهروندان شده و رضایت خاطر ایشان را نسبت به عملکرد دستگاه های مدیریت شهری بالا می برد.

توجه به زیرساخت های هر پروژه در شهر از اهمیت زیادی برخوردار است اما اجرای طرح ها و پروژه های شهری زمانی موجب رضایت شهروندان می شود که احساس کنند شهرشان دچار تحولی هر چند اندک در جهت مثبت شده است؛ این احساس به افزایش اعتماد شهروندان به مدیریت شهری بوده و باعث افزایش مشارکت ایشان در مراحل مختلف تهیه و اجرای یک طرح خواهد شد.

#### ۴-۳- راهکارهای کلی برای بهبود منظر شهری

در کلانشهری مثل مشهد اولویت نخست این است که بر سر نوع عرصه همگانی متناسب با هر ناحیه خاص توافق حاصل شود و پس از آن ساختمان ها و توسعه ها و نظام حمل و نقل بگونه ای مورد توافق قرار گیرند که در خور آن عرصه همگانی باشند. مکان ها باید به کاربرانشان تنوع را تقدیم کنند، منحصر بفرد باشند و هر یک هویتی خاص را القا نمایند و این در حالیکه همه این ساختمان ها با یکدیگر همخوان و هماهنگ هستند و تعادل را در کالبد شهر برقرار می سازند. حوزه های اختلاط کاربری ها در طرح های توسعه باید به روشنی تعریف شوند، به

ویژه در ارتباط با نواحی مرکزی و گره های فعالیتی اهمیت این موضوع صد چندان می شود. از آنجا که قسمت عمده ای از آشفستگی بصری بدنه خیابان ها مربوط به کاربری تجاری می باشد، محتوای ساخت و ساز تجاری در هر محلی باید با طیفی بیان گردد که در آن حد بالاترین و پایین ترین تغییرات در نمای ساختمان مشخص شده باشد. همچنین باید پیش بینی کاربری های اضافی همچون تفریحی، فرهنگی و اجتماعی نیز در طرح مربوط به همان منطقه از شهر آمده باشد. در این جهت بایستی به ایجاد هماهنگی و تعادل در منظر شهری خیابان های اطراف حرم مطهر توجه خاصی را مبذول داشت، چرا که بیشترین میزان تراکم فعالیتی و جمعیتی در این حوزه متمرکز بوده و ساماندهی آن نیازمند کنترل ویژه می باشد.

سیاست گذاران، مهندسان ترافیک و شهرسازان باید دست از اولویت قائل شدن برای حرکت آزادانه اتومبیل های شخصی در سطح شهر و به تبع آن تخریب محیط زیست برداشته و توجه خود را بیشتر به افراد پیاده، دوچرخه سوارها، افراد سالمند، زنان، کودکان و معلولان معطوف کرده و حمل و نقل عمومی را بهبود بخشند. توجه به این نکته باعث بهبود فضاهای شهری برای شهروندان و بدنبال آن احیای سرزندگی در فضاهای شهری خواهد شد که این امر تنها از رهگذر توجه کافی به منظر شهری و ارتقای کیفیت محیط شهر انجام پذیر می باشد. لازمه اجرایی شدن این مهم آن است که ترافیک سواره تا حد امکان کاهش یافته و متناسب با کاربری و کیفیت محیطی هر خیابان باشد. هر ساله تعداد بسیار زیادی از مسافران به شهر وارد و یا از آن خارج می شوند، باید توجه داشت که آیا تجربه بصری ایشان از شهر مشهد تجربه ای لذت بخش خواهد بود یا نه و اینکه چگونه می توان این تجربه را بهبود بخشید. ظاهر ورودی های شهر و مسیرهای منتهی به حرم مطهر باید خوشامدگوی شهروندان، مسافران و زائران باشد، آنها را تشویق به برقراری تعامل با محیط نماید. درخواست مجوز برای هیچ طرحی نباید مورد قبول واقع شود مگر آنکه مدارک روشنی دال بر همخوانی طرح با منظر شهر و به تبعیت آن هماهنگی با هویت و شخصیت مذهبی و گردشگری ارائه شود. در این راه باید از مشورت با اجتماعات محلی استقبال نموده و از نقش مستقیم و سودبخش ایشان در پاک سازی نماها و حذف ناهنجاری در ساختمان ها استفاده نمود. باید توجه داشت که نواحی که در آنها اختلاط کاربری ها به منظور ایجاد محیطی متنوع، زنده و امن تشویق می شود، بیشتر مورد خواست شهروندان هستند. در نهایت هیچ گاه نباید از یاد برد که شهرسازی، همگانی ترین هنر خلاقانه در جهت منافع عموم شهروندان است.

## ۵- نتیجه گیری

یکی از دلایل موجودیت شهرها و یا یکی از وظایف آنها غیر از ایجاد فضایی برای سکونت، پاسخگویی متقابل به نیازهای شهروندان و ارائه فضاهای حضور، درک و ارتباط گفتاری و دیداری است که زمینه ساز هر نوع ارتباط و



تعامل اجتماعی دیگر است. تنها در آیین محیط بصری و منظر شهری است که ابعاد نامملوس حیات مدنی، همچون فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش های معین، سلايق زیباشناختی خرده فرهنگ ها، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام جامعه به قراردادهای اجتماعی و غیره از طریق نظامی از "نشانه"ها امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی را میسر می سازد. بررسی کیفیت منظر شهری مشهد نشانگر نبود ساز و کار مناسب در جهت ایجاد فضاهای شهری مناسب و هویت بخش است. طی سال های گذشته اگرچه طرح های بسیاری برای این کلانشهر تهیه شده است، اما تهیه کنندگان این طرح ها به دلایل مختلف از ورود به حوزه منظر شهری اجتناب کرده و در بهترین حالت تنها به شناخت مصالح و ساخت عمومی مورد استفاده در سطح شهر اکتفا شده است. در برهه کنونی با توجه به موقعیت کلانشهر مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران، بازتعریف صحیح کالبد شهر - و در درجه اول پوسته شهر - و اجرای برنامه هایی در جهت ارتقای کیفیت منظر شهری ضروری به نظر می رسد.

از مطالب آمده می توان اینگونه نتیجه گرفت که عامل اصلی موفقیت در تهیه و اجرای طرح های زیباسازی منظر شهری حفظ ارتباط مداوم با شهروندان است. استفاده از نظرات و پیشنهادات ساکنین و استفاده کنندگان از محیط، لازمه ایجاد یک فضای شهری مناسب برای همگان است. در جریان اصلاحات کالبدی شهر باید به پیش شرطهایی همچون موقعیت فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی و جغرافیایی نیز توجه داشت. بطوریکه در کلانشهر مشهد هویت منظر شهری بایستی بر جایگاه مذهبی-فرهنگی و گردشگری آن منطبق گردد. اصلاح شرح خدمات طرح های فرادست- مانند طرح جامع توسعه و عمران شهری و یا طرح تفصیلی- و یا افزودن بخش مجزایی به اصل آن با عنوان منظر شهری مسئله هویت و شخصیت کالبدی شهر را اهمیتی در خور شان بخشیده و بدین ترتیب راه را برای طرح های شهری در حوزه منظرسازی باز می کند و علاوه بر این هماهنگی ساختاری را بین همه آنها بوجود خواهد آورد.

## ۶- منابع و مأخذ

- رضوانی، علیرضا؛ در جستجوی هویت شهری مشهد، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- ذکاوت، کامران؛ چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر؛ فصلنامه آبادی، سال شانزدهم، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۵.
- توسلی، محمود؛ طراحی شهری در بخش مرکزی تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶.
- پاکزاد، جهانشاه؛ مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۵.
- لینچ، کوین؛ ترجمه منوچهر مزینی، تئوری شکل شهر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- زیاری، کرامت الله، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.
- محمودی، امیرسعید؛ تفکر در طراحی، نشریه هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، دوره ۲۰، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۳.
- تیبالدز، فرانسیس؛ ترجمه مروارید قاسمی اصفهانی، ساخت شهرهای مردم پسند، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- پاکزاد، جهانشاه؛ مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، انتشارات شهیدی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- نقدی، اسدالله؛ حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، انتشارات فن آوران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ترنر، تام؛ ترجمه فرشاد نوریان، شهر همچون چشم انداز، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.